



The experience of empowering working and street children with a community-based approach in the city of Qarchak

Amin Roshanpour¹  | Ardeshir Bahrami² 

1. Corresponding author, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: aminrushanpoor@gmail.com.

2. Ph.D. in Sociology, Social Issues in Iran, Payame Noor University, Tehran, Iran. E-mail: bahrami-dr2014@yahoo.com.

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 2025 - 09 -16

Received in revised form:
2026 - 01 - 27

Accepted: 2026 - 03 - 19

Published online: 2026-03-20

Keywords:

Working and street children, empowerment, community-based approach, social intervention, Qarchak.

ABSTRACT

The phenomenon of “working and street children” is a prominent manifestation of exploitation and social inequality and has profound social, psychological, and educational consequences for children and their families. In Iran, this group includes children from the gypsy-western community, garbage collectors, street vendors, and workers in bakeries and production workshops. Conventional support policies, such as temporary collection and housing, have had limited results due to the lack of an empowering approach and limited sustainability, and the insufficient use of community-based models is one of the main shortcomings in this area.

The present study, with a qualitative phenomenological approach, examined the experience of implementing the pilot “Comprehensive Document for Reducing Social Harms of Working Children” with an empowering and community-based approach in Qarchak County (2019–2020). The study field included working and street children in the city and subordinate areas, especially villages and bakeries. Purposive sampling was conducted based on theoretical saturation and diversity of participants, and 30 people were selected, including 16 social facilitators and 14 working and street children.

The findings showed that the program had significant positive effects at the individual, family, and community levels: improving children’s skills and self-confidence, reducing social isolation, preventing dropout, increasing family participation and interaction, and raising awareness of the local community about children’s rights and needs. The experience of this program emphasized that genuine empowerment, coupled with a community-based approach, is the key to sustainability of social interventions and long-term impact, and can be used as a successful model for other regions of the country.

Cite this article: Roshanpour, A; & Bahrami, A (2025) The experience of empowering working and street children with a community-based approach in the city of Qarchak, *Journal of Social Problems of Iran*, 16 (2),233-252.

<https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.401132.671340>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.401132.671340>

تجربه توانمندسازی کودکان کار و خیابان با رویکرد اجتماع محور در شهر قرچک

امین روشن پور^۱ | اردشیر بهرامی^۲

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: aminrushanpoor@gmail.com

۲. دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور تهران، ایران. رایانامه: bahrami_dr2014@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	پدیده «کودکان کار و خیابان» جلوه‌ای شاخص از بهره‌کشی و نابرابری اجتماعی است و پیامدهای عمیق اجتماعی، روانی و آموزشی برای کودکان و خانواده‌های آنان به همراه دارد. در ایران، این گروه شامل کودکانی از جامعه کولی-غربتی، زباله‌گردان، دست‌فروشان و کارگران کوره‌پزخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی است. سیاست‌های حمایتی متداول، مانند جمع‌آوری و اسکان موقت، به دلیل فقدان رویکرد توانمندساز و محدودیت پایداری، نتایج محدودی داشته‌اند و بهره‌گیری ناکافی از الگوهای اجتماع‌محور از کاستی‌های اصلی این حوزه است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵	پژوهش حاضر با رویکرد کیفی پدیدارشناسی، تجربه اجرای پایلوت «سند جامع کاهش آسیب‌های اجتماعی کودکان کار» با رویکرد توانمندساز و اجتماع‌محور در شهرستان قرچک (۱۳۹۸-۱۴۰۰) را بررسی کرد. میدان مطالعه شامل کودکان کار و خیابان در شهر و مناطق تابع، به‌ویژه روستاها و کوره‌پزخانه‌ها بود. نمونه‌گیری هدفمند و بر اساس اشباع نظری و تنوع مشارکت‌کنندگان انجام شد و ۳۰ نفر شامل ۱۶ تسهیلگر اجتماعی و ۱۴ کودک کار و خیابان انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که برنامه در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی اثرات مثبت قابل توجهی ایجاد کرده است: ارتقای مهارت‌ها و اعتماد به نفس کودکان، کاهش انزوای اجتماعی، پیشگیری از ترک تحصیل، افزایش مشارکت و تعامل خانوادگی و ارتقای آگاهی جامعه محلی نسبت به حقوق و نیازهای کودکان. تجربه این برنامه تأکید کرد که توانمندسازی واقعی همراه با رویکرد اجتماع‌محور، کلید پایداری مداخلات اجتماعی و اثرگذاری بلندمدت است و می‌تواند به عنوان الگوی موفق برای سایر مناطق کشور مورد استفاده قرار گیرد.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۱/۰۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹	
کلیدواژه‌ها: کودکان کار، توانمندسازی، رویکرد اجتماع‌محور، مداخله اجتماعی، قرچک.	

استناد: روشن پور، امین؛ و بهرامی، اردشیر (۱۴۰۴). تجربه توانمندسازی کودکان کار و خیابان با رویکرد اجتماع محور در شهر قرچک. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۶(۲)، ۲۳۳-۲۵۲. <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.401132.671340>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/IJSP.2026.401132.671340>

مقدمه و بیان مسئله

در هر جامعه‌ای، کیفیت زندگی و وضعیت کودکان شاخص مهمی برای سنجش عدالت اجتماعی، توسعه انسانی و کارآمدی نهادهای حمایتی است. کودکان به‌ویژه در جوامع در حال گذار، در معرض آسیب‌ها و نابرابری‌هایی قرار دارند که ریشه در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمیق دارد. پدیده کودکان کار و خیابان، به‌عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل اجتماعی، نمودی عینی از این نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هاست و سلامت جسمی، روانی و آینده نسلی از اعضای جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مسئله نه تنها در حوزه مداخلات حمایتی و ملاحظات اخلاقی اهمیت دارد، بلکه از منظر امنیت اجتماعی و تحقق توسعه پایدار نیز یک چالش اساسی محسوب می‌شود.

کودکان قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند که به دلیل سن کم، مهارت‌های ناکافی، فقدان بلوغ روانی و وابستگی به دیگران، توانایی مراقبت و حمایت کامل از خود را ندارند و در معرض آسیب‌های جسمی و روانی قرار دارند. با این حال، تمامی کودکان به‌طور یکسان در معرض خطر نیستند و برخی از آنان با چالش‌های شدیدتری مواجه‌اند. کودکان کار و خیابان یکی از گروه‌هایی هستند که بیش از سایر کودکان در معرض خشونت‌ها و آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. دوران کودکی به‌عنوان مرحله‌ای حیاتی در رشد شخصیت و هویت افراد شناخته می‌شود و هرگونه فعالیت آسیب‌زننده به کودک، به دلیل اختلال در فرآیند رشد و تکامل، از سوی صاحب‌نظران علوم انسانی و تربیتی تقبیح شده است (کرمی، ۱۴۰۱). پدیده کودکان کار، مسئله‌ای جهانی با ابعاد گسترده اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و سیاسی است که پیامدهای عمیقی بر زندگی کودکان و جوامع به‌جا می‌گذارد. میلیون‌ها کودک خیابانی در معرض خشونت، ناامنی و بی‌ثباتی قرار دارند و عواملی چون فقر، نابرابری جنسیتی، فقدان حمایت‌های قانونی و محرومیت از آموزش، آنان را به انجام کارهای سخت و خطرناک سوق می‌دهد. براساس آمار سازمان ملل و یونیسف در سال ۲۰۲۴، حدود ۱۶۰ میلیون کودک در جهان کار می‌کنند که ۷۳ میلیون نفر از آن‌ها در مشاغل پرخطر فعالیت دارند و بیشترین تمرکز آنان در مناطق جنوب صحرای آفریقا، آسیا و اقیانوسیه گزارش شده است. همچنین بیش از ۴۷۳ میلیون کودک در مناطق جنگ‌زده و بحران‌زده زندگی می‌کنند که سال ۲۰۲۴ را به یکی از بحرانی‌ترین سال‌ها برای کودکان تبدیل کرده است (یونیسف و سازمان بین‌المللی کار، ۲۰۲۲). در ایران، با وجود نبود آمار رسمی و دقیق، تعداد کودکان کار قابل توجه و نگران‌کننده است و آمارهای مختلف و متناقضی از سوی نهادهای درگیر ارائه شده است. برخی مطالعات نشان می‌دهد جمعیت کودکان کار و خیابانی در شهرهای بزرگ رو به گسترش است که یکی از مهم‌ترین علت آن افزایش جمعیت مهاجران افغانستانی است. حضور این افراد در ایران موجب تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مختلفی شده است. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، حداقل ۸ میلیون و ۸۰۰ هزار کودک از چرخه تحصیل بازمانده‌اند و تعداد کودکان کار بین ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار تا ۸ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر برآورد شده است؛ همچنین حدود ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک حاشیه‌نشین و بیش از ۹۰۰ هزار کودک مهاجر و پناهنده وجود دارد (زاهدی و همکاران، ۱۴۰۳). این آمار نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از کودکان کار در ایران را مهاجران افغانستانی تشکیل می‌دهند و حضور آنان بر پیچیدگی پدیده افزوده است، چراکه شرایط زیستی، فرهنگی و اقتصادی این گروه با کودکان ایرانی تفاوت قابل توجهی دارد. پیامدهای این پدیده بسیار گسترده است و از آسیب‌های روانی و جسمانی گرفته تا محدود شدن فرصت‌های آموزشی و بازتولید چرخه فقر را شامل می‌شود؛ بنابراین، این مسئله نه تنها برای کودکان و خانواده‌هایشان پیامدهای منفی دارد، بلکه به‌عنوان یک معضل اجتماعی، تأثیرات بلندمدتی بر توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه به‌جا می‌گذارد (حیدری و همکاران، ۱۴۰۴). کودکان کار و خیابان نماد روشنی از نابرابری اجتماعی و بازتولید فقر ساختاری هستند و قربانی فقر، جنگ، خشونت‌های خانگی، مهاجرت و فقدان نظام حمایتی مؤثر به شمار می‌روند. نگاه ترحم‌آمیز یا مجرمانه به این گروه نه تنها وضعیت آنان را بهبود نمی‌بخشد، بلکه به تداوم چرخه

آسیب‌زا منجر می‌شود. حضور روزانه در خیابان‌ها، آنان را در معرض تهدیدهای جسمی، روانی و تربیتی قرار داده و کاهش نظارت خانواده و جامعه احتمال گرایش به انحرافات و جرایم اجتماعی را افزایش می‌دهد که می‌تواند به نسل‌های بعدی نیز منتقل شود. عوامل گسترش این پدیده در جوامع مختلف با توجه به بسترهای فرهنگی متفاوت است؛ وجود کودکان کار می‌تواند نشانگر معضلات خانواده و جامعه و ناکارآمدی سازمان‌های حمایتی باشد. کمبود امکانات و ساختارهای متناسب با نیازهای این گروه، همراه با فقر مالی و مشکلات اقتصادی خانواده‌ها، از مهم‌ترین دلایل گرایش کودکان به فعالیت در مشاغل کاذب و افزایش شمار آنان است (زارعی محمودآبادی و همکاران، ۱۴۰۳). در این میان، شهرستان قرچک در جنوب‌شرق تهران به دلیل تراکم جمعیت، مهاجریزی بالا و وضعیت اقتصادی نامناسب، به یکی از کانون‌های اصلی حضور کودکان کار تبدیل شده است. در حاشیه این شهرستان، روستاها و محله‌هایی با جمعیت مهاجر از قومیت‌های ترک، لر، کرد و مهاجران افغانستانی وجود دارد که فرهنگ کار کودک در سنین پایین در آن‌ها پذیرفته شده و حتی تشویق می‌شود. کودکان در این مناطق عمدتاً در کوره‌پزخانه‌ها، کارگاه‌ها و مراکز تولیدی اشتغال دارند و به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، اغلب در جامعه بومی ادغام نشده‌اند. این امر نه تنها آثار فردی و خانوادگی، بلکه تبعات اجتماعی وسیعی از جمله افزایش بی‌اعتمادی به سیاست‌های توسعه‌ای دولت، ترک تحصیل کودکان و تشدید آسیب‌های اجتماعی را به همراه دارد.

شهر قرچک بر اساس آمار غیررسمی شبکه بهداشت شهرستان در سال ۱۴۰۰، حدود ۳۰۶ هزار نفر جمعیت دارد و بیش از ۴۰ هزار نفر از اتباع افغانستان در این شهر سکونت دارند (شبکه بهداشت قرچک، ۱۴۰۱). فقر گسترده در مناطق روستایی و حاشیه‌های شهر، به‌ویژه محلات گلشهر، پوئینک، نظام‌آباد، ایستگاه ژیان، زیباشهر و شهرک کارگر، محدودیت دسترسی به سرانه‌های رفاهی و شهری و الگوهای فرهنگی سنتی، زمینه ورود کودکان به چرخه کار زود هنگام و آسیب‌پذیری شدید را فراهم کرده است. در محیط کوره‌پزخانه‌ها، هم‌زیستی کار و زندگی، آلودگی‌های محیطی، کار سخت و درآمد پایین باعث ایجاد مشکلات روانی، جسمانی و اجتماعی پایدار در کودکان می‌شود. بسیاری از کودکان از تحصیل بازمانده و برخی در سنین نوجوانی ازدواج می‌کنند که این امر فرایند جامعه‌پذیری آنان را با هنجارهای جامعه دشوار می‌سازد.

علی‌رغم اجرای برخی برنامه‌ها در حوزه حمایت از کودکان کار، از جمله طرح «حمایتی-آموزشی کودک و خانواده» از سال ۱۳۹۵ توسط سازمان بهزیستی، خلأهای جدی در سیاست‌گذاری و اجرا همچنان مشاهده می‌شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نبود بانک اطلاعاتی جامع، ضعف تعامل بین‌نهادی، فقدان سنخ‌شناسی فرهنگی کودکان کار و محدودیت دسترسی مهاجران به خدمات قانونی و آموزشی اشاره کرد. بسیاری از برنامه‌ها کوتاه‌مدت، مقطعی و با رویکرد نگهداری در مراکز هستند و تأثیر پایداری بر وضعیت کودکان و خانواده‌هایشان نداشته‌اند. با توجه به پیچیدگی و چندوجهی بودن پدیده کودکان کار، انجام پژوهشی جامع برای شناخت دقیق مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی آنان در شهرستان قرچک ضروری است. پژوهش حاضر، با تکیه بر مشاهدات میدانی، مصاحبه‌ها و تجربه مداخلات اجتماعی و روان‌شناختی نگارندگان در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰، تلاش دارد تجربه توانمندسازی اجتماع محور کودکان کار و خیابان در این شهرستان، به‌ویژه در مناطق روستایی و کوره‌پزخانه‌ها، را بررسی و به سوالات زیر پاسخ دهد:

- ۱) تجربه اجرای برنامه توانمندسازی اجتماع محور کودکان کار و خیابان در شهرستان قرچک چگونه بوده است؟
- ۲) برنامه‌های اجتماع محور چه تأثیراتی بر وضعیت اجتماعی، آموزشی و روانی کودکان کار و خانواده‌های آنان داشته است؟

نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای طراحی راهکارهای مؤثر، پایدار و بومی در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی، ارتقاء کیفیت زندگی کودکان و حمایت از خانواده‌هایشان باشد. این اقدامات، در کنار بهبود وضعیت فردی کودکان، می‌تواند به توسعه اجتماعی و فرهنگی منطقه نیز کمک کند.

پیشینه تجربی

پژوهش سبحانی (۱۳۸۵) نشان می‌دهد اجرای طرح توانمندسازی کودکان در خانه کودک شوش با چالش‌های متعددی مواجه است. مشکلات فرهنگی مانند نبود روحیه کار گروهی و تحمل دیدگاه‌های متفاوت، ابهامات در تعریف و عملکرد NGOها، و همچنین نبودن این تجربه و کمبود الگوهای عملی، از موانع درونی این طرح هستند. علاوه بر این، مشکلات بیرونی مانند عدم همکاری مستمر سازمان‌های دولتی و غیردولتی، کمبود منابع مالی پایدار، ابهام در سیاست‌های اجتماعی و تغییرات مکرر در این حوزه، روند اجرای طرح را دشوار کرده‌اند. پژوهش شکوری (۱۳۹۳) با عنوان «بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی کودکان کار خیابانی در منطقه ۱۲ تهران» به روش پیمایشی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌دهندگان اقدامات این سازمان‌ها را مهم و مؤثر در توانمندسازی کودکان می‌دانند و در غیاب این سازمان‌ها وضعیت کودکان بدتر می‌شد. تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز رابطه معناداری بین متغیرهای مستقل و توانمندسازی کودکان نشان داد. نتیجه پژوهش این است که حضور مؤثر و کارآمد سازمان‌های مردم‌نهاد برای بهبود وضعیت کودکان کار ضروری است، اما تأکید می‌کند که خدمات‌رسانی باید به صورت صحیح، جامع و با نگاه سیستمی انجام شود و خانواده نیز محور توجه باشد نه فقط کودک. پژوهش آیت مهر (۱۳۹۴) با روش شبه‌آزمایشی و طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل، تأثیر آموزش بسته توانمندسازی را در پیشگیری از رفتارهای پرخطر نوجوانان کار و خیابان ۱۳ تا ۱۸ ساله کرج بررسی کرد. پس از انتخاب ۱۷ نوجوان در معرض خطر، آموزش در ۱۱ جلسه انجام شد و نتایج نشان داد که نمرات رفتارهای پرخطر در پس‌آزمون و دوره پیگیری به طور معناداری کاهش یافته است. بنابراین، آموزش توانمندسازی در کاهش رفتارهای پرخطر این گروه مؤثر است. پژوهش رستگار و همکاران (۱۳۹۷) با روش توصیفی-همبستگی و جامعه آماری ۶۰۰ نفر از کارکنان ستادهای توانمندساز شهر تهران انجام شد. نتایج نشان داد که مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، انسجام و مشارکت در بین کارکنان، به طور مستقیم توانمندی کودکان کار و خیابان را افزایش نمی‌دهد، اما روابط اجتماعی قوی میان مددکاران اجتماعی باعث ایجاد شبکه‌های گسترده اجتماعی با رویکرد کارآفرینانه شده و به طور غیرمستقیم ظرفیت‌سازی در کودکان آسیب‌پذیر را فراهم می‌کند. پژوهش شکرپیگی و فراهانی (۱۳۹۸) با هدف شناسایی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی و بررسی تأثیر آن بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان انجام شد. این مطالعه توصیفی-همبستگی با جامعه آماری ۶۰۰ نفر از مدیران و کارکنان ستادهای توانمندساز تهران بود. نتایج نشان داد کارآفرینی اجتماعی به طور مستقیم توانمندی کودکان کار و خیابان را ارتقا می‌دهد. از میان مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی، «اصول اساسی کارآفرینی اجتماعی» با ضریب رگرسیونی ۰,۸۳۱ بیشترین و «برنامه‌های کارآفرینانه اجتماعی» با ضریب ۰,۶۹۱ کمترین تأثیر را بر توانمندسازی این کودکان داشتند. کاوه پیشه و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی کیفی با روش پدیدارشناسی توصیفی، چالش‌ها و موانع آموزش کارآفرینی به کودکان کار را بررسی کردند. داده‌ها از مصاحبه با ۱۵ معلم دارای سابقه کار با کودکان کار جمع‌آوری و تحلیل شدند. نتایج نشان داد پنج دسته چالش اصلی وجود دارد: فردی و محیطی، محتوایی و رویه‌ای، ساختاری، روشی و اقتصادی. در این میان ۲۵ چالش فرعی مانند تغییر نگرش، تأثیر همسالان، بی‌توجهی به ویژگی‌های روانشناختی، مقاومت والدین، نبود تجهیزات مناسب، ضعف برنامه‌ریزی، آموزش توده‌ای، تضادهای قانونی، کمبود بودجه و نیاز مالی شدید کودکان کار شناسایی شدند. این مشکلات باعث می‌شوند آموزش کارآفرینی به کودکان کار به شکل مؤثر انجام نشود. نادری و همکاران

(۱۴۰۳) در پژوهشی کیفی با ۲۰ مطلع کلیدی در کرمانشاه، نشان دادند که پدیده کودکان کار خیابانی در کوتاه‌مدت قابل حذف کامل نیست، اما با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب می‌توان آن را کنترل و کاهش داد. راهکار اصلی، توسعه مهارت‌های کارآفرینی کودکان است. همچنین پیشنهاد شده است که با تقویت اشتغال‌زایی، فقرزدایی، آموزش والدین برای بهبود نگرش فرهنگی، بازنگری قوانین حمایتی و نظارت دقیق بر اجرای آن‌ها، وضعیت کودکان کار ساماندهی شود.

در مطالعات خارجی، پژوهش سودارتو^۱ و همکاران (۲۰۲۲) به بررسی فرآیندهایی پرداخته که طرز فکر کودکان کار و والدینشان در اندوختن را تغییر می‌دهد تا تمایل به ادامه تحصیل پیدا کنند. این مطالعه نشان می‌دهد استعمار اقتصادی کودکان توسط خانواده‌ها صورت می‌گیرد که کودکان را برای کار به جای آموزش مجبور می‌کنند. استعمار اقتصادی بد برای کودکان پیامدهای منفی مانند دروغ‌گویی، اضطراب، اختلالات شخصیتی و مشکلات رشد به همراه دارد. راه‌حل پیشنهادی، آموزش برابر و همکاری همه ذینفعان برای بازگرداندن کودکان کار به مدرسه است. کومار و داس^۲ (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای تجربی در هند به بررسی تأثیر برنامه‌های آموزشی و حمایت‌های اجتماعی بر توانمندسازی کودکان خیابانی پرداختند. این پژوهش نشان داد که مداخلات آموزشی منجر به بهبود قابل توجه در مهارت‌های تحصیلی و ارتقای سلامت روانی کودکان شد. همچنین، حمایت‌های اجتماعی مانند مشاوره روانی و فعالیت‌های گروهی باعث افزایش انگیزه کودکان برای ادامه تحصیل و کاهش رفتارهای پرخطر گردید. نویسندگان تأکید کردند که همکاری سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای اجرای برنامه‌های جامع توانمندسازی حیاتی است. آلوارز و کاستیلو^۳ (۲۰۲۳)، در مرور نظام‌مند خود، به بررسی اثربخشی مداخلات روانی-اجتماعی در بهبود وضعیت کودکان خیابانی پرداختند. یافته‌ها نشان داد برنامه‌هایی مانند درمان گروهی، مشاوره فردی و فعالیت‌های توانمندسازی روانی به کاهش اضطراب، افسردگی و رفتارهای پرخطر کمک می‌کنند. این مطالعه نتیجه گرفت مداخلات چندبعدی که ابعاد روانی، اجتماعی و آموزشی را همزمان مدنظر قرار می‌دهند، برای بهبود شرایط کودکان خیابانی بسیار مؤثر هستند و باید در سیاست‌های حمایتی جایگاه ویژه‌ای داشته باشند. سهیل^۴ و همکاران (۲۰۲۴) با رویکرد کیفی پدیدارشناختی، آسیب‌پذیری‌های کودکان کار خیابانی زن در داکا، پایتخت بنگلادش را بررسی کردند. آن‌ها با ۲۵ مصاحبه عمیق، مشکلاتی چون رفتارهای پرخطر بهداشتی، آزار جنسی، ترک تحصیل، شرایط کاری و زندگی نامناسب را شناسایی کردند. این کودکان به دلیل وضعیت اجتماعی-اقتصادی ضعیف، در معرض آسیب‌های جسمی، روانی و استعمار قرار دارند. مطالعه بر ضرورت حمایت‌های آموزشی، بهداشتی و اجتماعی برای شکستن این چرخه تأکید دارد. مرزوقی^۵ و همکاران (۲۰۲۴) با بررسی استان خیبر پختونخوا در پاکستان، عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر کار کودکان و موانع آموزشی را تحلیل کردند. داده‌ها از طریق پرسشنامه آنلاین معلمان، مدیران، سیاست‌گذاران و مصاحبه با کودکان کار و خانواده‌هایشان جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد ۷۸٪ از شرکت‌کنندگان از قوانین کار کودکان بی‌اطلاع و ۷۱٪ آن‌ها را بی‌اثر می‌دانند. فقر عامل اصلی کار کودکان (۶۵٪) بود و تبعیض جنسیتی، هزینه‌های بالای آموزش و کمبود معلمان ماهر، موانع مهم آموزش با کیفیت به شمار می‌روند. این مطالعه تأکید می‌کند که باید آموزش فراگیر و برنامه‌های رفاه اجتماعی تقویت شود تا کار کودکان کاهش یافته و همه کودکان به آموزش با کیفیت دسترسی داشته باشند. همچنین، تحلیل آماری نشان داد عوامل اجتماعی-اقتصادی نقش مهمی در اجرای قوانین آموزشی دارند. نگوین و لی^۶ (۲۰۲۴) در پژوهشی در ویتنام به بررسی موانع و راهکارهای بازگشت کودکان کار به نظام آموزشی رسمی پرداختند. نتایج نشان داد

1 Sudarto

2 Kumar & Das

3 Alvarez & Castillo

4 Sohel

5 Merzougui

6 Nguyen & Le

کودکان با چالش‌هایی همچون فقر، عدم حمایت خانواده و تبعیض در مدرسه روبرو هستند که موجب ترک تحصیل آنان می‌شود. با این حال، برنامه‌های آموزشی انعطاف‌پذیر، حمایت‌های مالی و مشاوره‌های فردی به عنوان راهکارهای مؤثر برای بازگرداندن کودکان به مدرسه معرفی شدند. نویسندگان پیشنهاد کردند سیاست‌گذاران سازوکارهای حمایتی فراگیرتری برای تضمین آموزش کودکان کار ایجاد کنند.

جمع‌بندی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که توانمندسازی کودکان کار و خیابان نیازمند رویکردی چندبُعدی و سیستمی است که در آن، علاوه بر آموزش مهارت‌های فردی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، باید به تقویت ظرفیت‌های خانواده، نقش مؤثر سازمان‌های مردم‌نهاد، رفع موانع ساختاری و اقتصادی، و اصلاح سیاست‌های کلان توجه ویژه‌ای شود. همچنین، پژوهش‌ها بر ضرورت حمایت جامع، مشارکت همه‌جانبه ذینفعان و ترویج آموزش برابر برای بازگرداندن کودکان به مسیر تحصیل تأکید دارند. نوآوری پژوهش حاضر در این است که برای نخستین بار به بررسی وضعیت توانمندسازی کودکان کار و خیابان در شهر قرچک می‌پردازد؛ شهری که تاکنون مطالعات منسجمی در این زمینه درباره آن صورت نگرفته است. این تحقیق با تمرکز بر یک منطقه کمتر مورد توجه، به شناسایی چالش‌ها، نیازها و ظرفیت‌های بومی در حوزه حمایت از کودکان کار می‌پردازد. از سوی دیگر، بهره‌گیری از رویکرد کیفی و مشارکت مستقیم کودکان و فعالان محلی در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، دیدگاه‌های تازه‌ای را در خصوص مداخلات اجتماعی مؤثر در مناطق حاشیه‌ای فراهم می‌آورد.

چارچوب مفهومی پژوهش

چارچوب مفهومی این پژوهش بر دو محور اصلی «توانمندسازی»^۱ و «رویکرد اجتماع‌محور»^۲ استوار است و به‌عنوان ابزاری برای سازمان‌دهی روایت‌ها و تجربیات زندگی کودکان کار و خیابانی، خانواده‌ها و محیط اجتماعی عمل می‌کند تا فرآیند تحلیل داده‌ها را ساختارمند سازد. توانمندسازی در این بافت به‌عنوان یک فرآیند اجتماعی تعریف می‌شود که به کودکان امکان می‌دهد کنترل بیشتری بر زندگی و شرایط خود داشته باشند، ظرفیت‌های فردی و اجتماعی خود را تقویت کنند و فرصت مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با خود را به دست آورند؛ این فرآیند از طریق آموزش مهارت‌های زندگی، دسترسی به آموزش رسمی و غیررسمی، تقویت عزت نفس و توان مشارکت اجتماعی انجام می‌شود و در برنامه‌های حمایتی و اجتماع‌محور، هدفشان بهبود وضعیت کودکان خیابانی و تسهیل بازگشت آنان به خانواده یا جامعه است (Setyowati et al., 2024). از سوی دیگر، رویکرد اجتماع‌محور بر این اصل استوار است که راه‌حل‌های مؤثر برای مشکلات اجتماعی باید از دل جامعه و با مشارکت فعال ذینفعان محلی از جمله خانواده‌ها، نهادهای محلی و شبکه‌های اجتماعی شکل گیرد تا ظرفیت‌های جامعه برای حمایت از اعضای آسیب‌پذیر تقویت شود و تغییرات پایداری در رفاه کودکان کار و خیابانی ایجاد گردد (Collins et al., 2018). در ادبیات پژوهشی، رویکردهای مداخله در برابر این پدیده معمولاً در دو دسته اصلاحی و پیشگیرانه طبقه‌بندی می‌شوند: رویکردهای اصلاحی پس از بروز آسیب و ورود کودک به خیابان، مداخله می‌کنند و بر سطح فردی تمرکز دارند، در حالی که رویکردهای پیشگیرانه بر خانواده‌های آسیب‌پذیر تمرکز کرده و با کاهش فشارهای اقتصادی و تقویت حمایت‌های اجتماعی، جلوگیری از ورود کودک به خیابان را هدف می‌گیرند. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که این پدیده نه تنها کاهش نیافته، بلکه در سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته است (سعدآبادی و فهری، ۱۳۹۹: ۶)، که این امر ضرورت بازاندیشی در روش‌های مداخله و توجه به رویکردهای مشارکتی و اجتماع‌محور را برجسته می‌سازد. بر این اساس، چارچوب

1 Empowerment

2 Community-based approach

مفهومی پژوهش بر این فرض استوار است که توانمندسازی کودکان کار و خیابانی تنها در بستر اجتماع و از طریق مشارکت فعال نهادهای محلی، خانواده و خود کودکان امکان‌پذیر است؛ این فرآیند یک رویداد لحظه‌ای نیست، بلکه یک فرآیند چندسطحی، تدریجی و تعاملی است که در سه لایه فردی، میان‌فردی/خانوادگی و اجتماعی/اجتماع‌محور شکل می‌گیرد.

در لایه فردی، تمرکز بر ظرفیت‌های خود کودک مانند مهارت‌های فردی و اجتماعی، عزت نفس، خودکارآمدی و آگاهی از حقوق است و توانمندسازی به معنای تجهیز کودک به ابزارهای لازم برای تصمیم‌گیری و مشارکت فعال در محیط زندگی است. در لایه میان‌فردی و خانوادگی، روابط کودک با خانواده و محیط نزدیک مورد توجه قرار می‌گیرد؛ خانواده با توجه به وضعیت اقتصادی، نگرش والدین به کار کودک، حمایت عاطفی و آگاهی از حقوق، نقش تعیین‌کننده‌ای در بازتولید یا کاهش آسیب‌پذیری کودکان دارد. در لایه اجتماعی و اجتماع‌محور، اجتماع محلی، نهادهای حمایتی، مدارس، سازمان‌های مردم‌نهاد و شبکه‌های غیررسمی اجتماعی در گستره‌ی وسیع‌تری قرار دارند و نگرش‌های عمومی، همبستگی اجتماعی، دسترسی به خدمات و کیفیت برنامه‌های اجتماعی از مؤلفه‌های اصلی این سطح هستند. در این چارچوب، توانمندسازی کودکان در شهر قرچک تنها در تعامل میان فرد، خانواده و اجتماع معنا پیدا می‌کند و تغییر در هر یک از این سطوح بر سطوح دیگر تأثیر می‌گذارد؛ این چارچوب مفهومی مبنای تحلیل داده‌های کیفی پژوهش حاضر است و به درک عمیق مسیرهای توانمندسازی و موانع آن در بستر اجتماعی-فرهنگی قرچک کمک می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و مبتنی بر روش پدیدارشناسی طراحی و اجرا شد. هدف اصلی بهره‌گیری از رویکرد کیفی، کسب اطلاعات موجود در بافتارهای خاص و ایجاد درکی ژرفتر از پدیده‌هایی است که امکان بررسی آنها از طریق روش‌های کمی وجود ندارد (فلیک، ۲۰۰۳: ۱۵). مطالعه پدیدارشناسی معنای تجارب زیسته افراد متعدد از یک مفهوم یا پدیده را توصیف می‌کند (کرسول، ۱۳۹۴: ۷۹). پدیدارشناسی به پژوهشگر امکان می‌دهد تا تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان را همان‌گونه که برای خودشان معنا پیدا می‌کنند ثبت و تحلیل کند و بدون پیش‌فرض‌های نظری، ماهیت و ساختار پدیده را شناسایی نماید. هدف از انتخاب این روش، فهم عمیق از تجربه زیسته کودکان کار و خیابان در شهرستان قرچک و ارزیابی مداخلات اجتماع‌محور در زمینه توانمندسازی آنان بوده است. میدان مطالعه شامل کلیه کودکان کار و خیابان در شهر قرچک و مناطق تابع آن، به‌ویژه روستاها و کوره‌پزخانه‌های اطراف، می‌باشد.

نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و بر اساس دو معیار اشباع نظری و تنوع مشارکت‌کنندگان انجام شد تا نماینده‌ای واقعی از گروه‌های مختلف کودکان و تسهیلگران اجتماعی در مناطق شهری، روستایی و کوره‌پزخانه‌ها فراهم شود. **شرایط ورود؛** کودکان زیر سن قانونی و تسهیلگرانی که به‌طور مستقیم در مداخلات اجتماع‌محور فعالیت داشتند، با رضایت خود و خانواده وارد مطالعه شدند. **شرایط خروج؛** هر مشارکت‌کننده می‌توانست هر زمان بدون هیچ تبعاتی از مطالعه انصراف دهد. در مجموع، ۳۰ نفر شامل ۱۶ نفر تسهیلگر اجتماعی و ۱۴ کودک کار و خیابان انتخاب شدند، با پوشش مناطق متنوع شهرستان قرچک و روستاهای اطراف.

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهده مشارکتی فعال جمع‌آوری شد. در مشاهده مشارکتی، پژوهشگر به‌طور مستقیم در فعالیت‌ها و برنامه‌های آموزشی، هنری و حمایتی کودکان حضور داشت و رفتارها، تعاملات و واکنش‌های کودکان در محیط طبیعی‌شان ثبت شد. این روش امکان داد تا تفاوت میان گفته‌ها و رفتار واقعی کودکان آشکار شود و تحلیل غنی و معتبر از تجربه زیسته آنان فراهم گردد. در ادامه، داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و مشاهده مشارکتی با استفاده از تحلیل محتوای کیفی بررسی شد. در سال نخست اجرای برنامه (۱۳۹۸)، به دلیل بی‌اعتمادی اولیه خانواده‌ها و کودکان، مشارکت محدود بود؛ اما به تدریج و با

اجرای برنامه‌های نشاط‌آور، حمایتی و گفت‌وگوهای گروهی، اعتمادسازی صورت گرفت و در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، میزان همکاری و مشارکت کودکان کار به‌طور معناداری افزایش یافت. به منظور ارتقاء قابلیت اعتماد پژوهش، از سه راهبرد کلیدی استفاده شد: زاویه‌بندی داده‌ها و منابع، بازبینی اعضا برای اعتبار پاسخ‌ها، و بازاندیشی پژوهشگر در حین گردآوری و تحلیل داده‌ها. این تدابیر، اعتبار و عمق تحلیلی یافته‌های پژوهش را تقویت کردند و زمینه ارائه نتایجی قابل اتکا را فراهم آوردند.

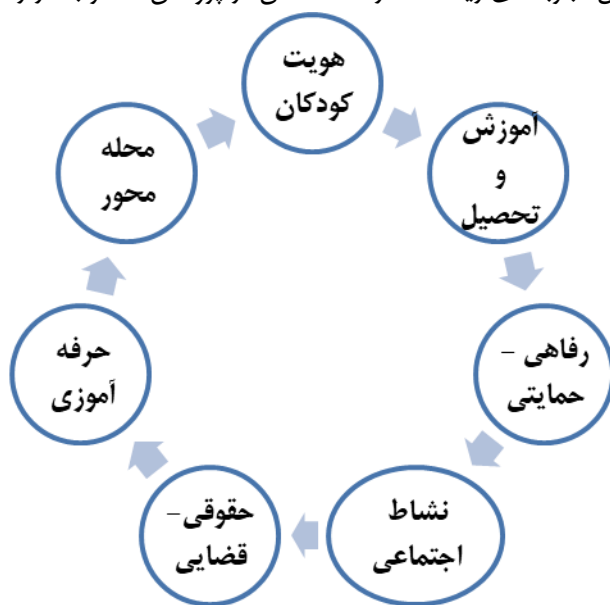
ملاحظات اخلاقی پژوهش در این مطالعه به دقت رعایت شد. پیش از شروع مطالعه، رضایت آگاهانه خانواده‌ها و کودکان اخذ گردید، هویت مشارکت‌کنندگان محرمانه نگه داشته شد و برای همه کودکان و تسهیلگران از اسامی مستعار و کد استفاده شد. همچنین تلاش شد تا پژوهش با رویکرد احترام‌آمیز، حمایت‌گرانه و بدون وارد کردن فشار روانی انجام شود و تجربه کودکان در محیط طبیعی‌شان ثبت گردد.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

مشارکت‌کننده	تحصیلات	سن	نقش در تیم اجتماع محور
۱	کارشناسی ارشد	۴۲	مدیر اجرایی تیم
۲	کارشناسی ارشد	۴۰	روانشناس تیم
۳	دانشجو	۲۰	مددکار و تسهیلگر
۴	دیپلم	۱۸	تسهیلگر اجتماعی
۵	کارشناسی	۴۵	مربی ورزشی و تسهیلگر
۶	کارشناسی ارشد	۳۲	روانشناس (مدرس کارگاه)
۷	سیکل	۴۵	تسهیلگر صالح اباد
۸	سیکل	۴۰	تسهیلگر قشلاق دوم
۹	دیپلم	۱۸	تسهیلگر داود اباد
۱۰	سیکل	۴۳	تسهیلگر داوودآباد
۱۱	دیپلم	۲۸	تسهیلگر قشلاق اول
۱۲	دیپلم	۳۳	تسهیلگر ولی اباد
۱۳	کارشناسی	۲۸	تسهیلگر قشلاق
۱۴	دیپلم	۳۵	تسهیلگر امین اباد
۱۵	کارشناسی	۳۳	تسهیلگر کوره‌ها
۱۶	کارشناسی	۳۰	تسهیلگر ولی اباد
۱۷	سوم ابتدایی	۹	کودک کار
۱۸	چهارم ابتدایی	۱۱	کودک کار
۱۹	سیکل	۱۵	کودک کار
۲۰	پنجم ابتدایی	۱۲	کودک کار
۲۱	بی سواد	۶	کودک کار
۲۲	هفتم راهنمایی	۱۳	کودک کار
۲۳	هفتم راهنمایی	۱۳	کودک کار
۲۴	سیکل	۱۷	کودک کار
۲۵	سوم ابتدایی	۱۰	کودک کار
۲۶	سیکل	۱۶	کودک کار
۲۷	هفتم راهنمایی	۱۴	کودک کار
۲۸	پنجم ابتدایی	۱۲	کودک کار
۲۹	پنجم ابتدایی	۱۳	کودک کار
۳۰	هشتم راهنمایی	۱۴	کودک کار

جدول (۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان (تسهیلگران و کودکان کار و خیابانی) را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌ها، تیم تسهیلگران متشکل از افراد با سطوح تحصیلی متنوع از سیکل تا کارشناسی ارشد بوده که در بازه‌ی سنی ۱۸ تا ۴۵ سال قرار دارند و نقش‌های گوناگونی همچون مدیریت اجرایی، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، آموزش و تسهیلگری محلی را بر عهده داشته‌اند. در مقابل، کودکان کار و خیابانی شرکت‌کننده در پژوهش، عمدتاً در رده‌های سنی ۶ تا ۱۷ سال قرار داشته و سطح تحصیلات آن‌ها از بی‌سوادی تا سیکل متغیر است. این ترکیب نشان می‌دهد که پژوهش حاضر از مشارکت‌کنندگان با تجربه‌های زیسته متفاوت و متکثر بهره‌مند بوده که می‌تواند در تحلیل جامع‌تر وضعیت اجتماعی و آموزشی کودکان کار و خیابانی نقش مؤثری ایفا کند.

به‌منظور تبیین فرایند ورود به میدان پژوهش، مراحل اجرای مطالعه در چند گام طراحی شد. در مرحله نخست، زمینه اجتماعی و فضایی شهرستان قرچک و وضعیت کودکان کار و خیابان بر اساس داده‌های ثانویه و بررسی‌های میدانی تیم اجتماع‌محور توصیف شد. در مرحله دوم، تیم تسهیلگران اجتماعی از میان فعالان محلی انتخاب و آموزش داده شدند. در مرحله سوم، با هدف تسهیل دسترسی به میدان و جلب مشارکت اجتماعی، تعامل نهادی با سازمان‌های محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های داوطلب برقرار شد. در مرحله چهارم، نیازسنجی مسائل کودکان کار و خیابانی از طریق مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های میدانی انجام گرفت و در مرحله پنجم، چارچوب مداخله اجتماع‌محور بر اساس اسناد سیاستی و مبانی نظری توانمندسازی تدوین شد. بر این اساس، مدل اجرایی برنامه توانمندسازی و کاهش آسیب اجتماعی کودکان کار و خیابان به‌عنوان چارچوب نظری و عملی پژوهش طراحی گردید (شکل ۱). مدل مذکور ترکیبی از مؤلفه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی توانمندسازی را در چارچوب رویکرد اجتماع‌محور یکپارچه کرده و به‌عنوان مبنای مفهومی تحلیل تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر به‌کار رفته است.



منبع: یافته‌های پژوهش

یافته‌های تحقیق

تحلیل پیامدها و نتایج برنامه اجتماع محور بر زندگی کودکان کار و خیابان نشان می‌دهد که تیم اجتماع محور در یک فرایند پیوسته و مستمر از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰، برنامه جامع تقسیم کار ملی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کودکان کار و خیابان را مطابق اهداف از پیش تعیین شده اجرا کرده است. بخش عمده فعالیت‌ها توسط تیم با همراهی کودکان کار طراحی و اجرا شد، تلاش گردید تا در برخی مراحل، اصول اجتماع محور رعایت شود. به ویژه در فرآیند نیازسنجی، اولویت‌بندی موضوع کارگاه‌ها و فعالیت‌های آموزشی، جشنواره‌ها و برنامه‌های حمایتی، کودکان و خانواده‌ها به شکل محدود اما مستقیم مشارکت داشتند. این مشارکت‌ها شامل ارائه بازخورد، تعیین نیازها، حضور در اجرای برخی فعالیت‌ها و شرکت در برنامه‌های گروهی بوده است. بنابراین، برنامه با هدف توانمندسازی مبتنی بر تعامل با جامعه هدف طراحی شد، هرچند مشارکت فعال و گسترده جامعه محلی در بخشی از مراحل محدود بوده است. در ادامه، بر اساس شاخص‌های مد نظر، اثرات و پیامدهای این برنامه بر زندگی کودکان کار و خیابان به تفکیک حوزه‌های آموزشی، حمایتی، ورزشی، فرهنگی و توانمندسازی بررسی می‌شود.

۱. برنامه آموزشی پیشگیری از افت تحصیلی و ترک تحصیل کودکان کار و خیابان

یکی از مهم‌ترین آسیب‌های کودکان کار و خیابان، افت تحصیلی و ترک مدرسه است. والدین به دلیل پایین بودن سطح سواد و آگاهی، نمی‌توانند حمایت آموزشی لازم را به فرزندانشان ارائه دهند. فقر اقتصادی خانواده‌ها باعث می‌شود که کودکان به جای تحصیل، به کار و درآمدزایی مجبور شوند. در دوران کرونا که مدارس حضوری تعطیل و آموزش‌ها مجازی شد، بسیاری از کودکان کار در روستاها و کوره‌های آجرپزی به دلیل نداشتن تلفن همراه، از آموزش محروم شدند که این موضوع باعث افزایش ترک تحصیل و حضور بیشتر آنها در خیابان شد. ترک تحصیل، تنش‌ها و مشکلات روانی و اجتماعی زیادی برای کودکان و خانواده‌ها ایجاد کرده است. در این برنامه، به ۱۲۹۰ دانش‌آموز در مقاطع ابتدایی و متوسطه در روستاها و کوره‌های آجرپزی آموزش کمک درسی داده شد، همچنین لوازم التحریر به ۲۴۰۰ دانش‌آموز و سوادآموزی به ۷۵ کودک و مادران آنها ارائه گردید. این اقدامات نقش مهمی در پیشگیری از افت تحصیلی، ترک تحصیل و بازگشت کودکان به مدرسه و جامعه داشته است. در مجموع ۴۰۶۰ دانش‌آموز از مناطق هدف در برنامه‌های آموزشی شرکت کردند و رضایت بالایی از این برنامه‌ها داشتند. استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی منطقه مانند معلمان، خیرین آموزشی و تیم تسهیلگران اجتماعی با رویکرد اجتماع محور، از نقاط قوت این برنامه است. همچنین بهره‌گیری از فضاهای موجود مانند مساجد و خانه‌های مردم باعث افزایش مشارکت و تعامل بین نهادی شده است. کودکان نیز از حمایت‌های آموزشی و سوادآموزی رضایت داشتند. با توجه به پیامدهای مخرب کرونا و تغییر سبک آموزشی، دانش‌آموزان آسیب‌پذیر مناطق روستایی و حاشیه‌نشین بیشترین آسیب را دیدند.

مشارکت‌کننده کد (۹) «بسیاری از کودکان به دلیل نداشتن امکانات دیجیتال از آموزش بازماندند. به همین دلیل، برنامه ادامه کلاس‌های کمک آموزشی در تابستان با تمرکز بر دروس ریاضی و زبان انگلیسی برگزار شد که شامل رفع اشکالات آموزشی، برنامه ورزشی و پذیرایی بود».

مشارکت‌کننده کد (۲۵) «وقتی به ما کمک کردند که در تابستان کلاس‌های ریاضی و زبان انگلیسی برویم، فهمیدم که می‌توانم درس‌هایم را بهتر بخوانم و دیگر نمی‌خواهم مدرسه را ترک کنم».

مشارکت‌کننده کد (۱۷) «قبل از این برنامه، به دلیل نداشتن گوشی و امکانات، از درس‌ها عقب مانده بودم، اما حالا با کمک موسسه و کلاس‌های کمک درسی، دوباره به مدرسه برگشتم و خوشحالم». این نقل قول‌ها نشان‌دهنده رضایت کودکان از حمایت‌های آموزشی و نقش مهم برنامه در بازگشت آنها به مدرسه است.

۲. برنامه‌های حمایتی در راستای توانمندسازی خانواده‌های کودکان کار

برنامه‌های حمایتی برای خانواده‌های کودکان کار و خیابان با هدف تأمین بخشی از نیازهای معیشتی و بهبود شرایط زندگی خانواده‌ها در محلات هدف، به مناسبت‌های مختلفی مانند عید نوروز، جشن یلدا، ماه رمضان و اعیاد غدیر و قربان برگزار شد. این برنامه‌ها که شامل فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و شادی‌آفرین هستند، با مشارکت ساکنان محلی و خانواده‌های کودکان کار و خیابان برگزار می‌شوند تا همزمان با ایجاد نشاط، حس تعلق اجتماعی را نیز تقویت کنند. با رویکرد اجتماع‌محور، نیازهای کودکان کار و خانواده‌های آنها از طریق برنامه‌های گروهی شناسایی شده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی نخبگان، فعالان محلی و تیم موسسه مجری، به صورت مستمر پیگیری می‌شود. یکی از نکات مهم در اجرای این برنامه‌ها، حضور فعال خانواده‌ها و کودکان در فرآیند برگزاری است که باعث افزایش مشارکت اجتماعی و کاهش احساس انزوا و تنهایی در کودکان می‌شود. این مشارکت‌جویی و مطالبه‌گری، به توانمندسازی روحی، روانی و اجتماعی کودکان کار کمک شایانی می‌کند.

مشارکت‌کننده کد (۱۳) «جلب اعتماد و ظرفیت‌سازی برای مشارکت جامعه محلی در فرایند اجرای برنامه‌ها، کلید موفقیت برنامه‌های اجتماع‌محور است».

زندگی در کوره‌های آجرپزی با فقدان امکانات بهداشتی، درمانی، آموزشی و خدمات رفاهی مانند فروشگاه و نانوايي، مشکلات فراوانی برای خانواده‌ها ایجاد کرده است. معیشت ناپایدار، فصلی و درآمد بسیار پایین خانواده‌های کودکان کار، کیفیت زندگی آنها را کاهش داده و موجب سوءتغذیه کودکان و زنان شده است. فضای ناامنی اجتماعی نیز بر این محلات حاکم است. توزیع بسته‌های معیشتی و غذای گرم در بین خانواده‌های کودکان کار و خیابان شهرستان قرچک نقش مهمی در بهبود شرایط دارد. تسهیلات اجتماعی با مراجعه حضوری «خانه به خانه» و ارتباط مستقیم با خانواده‌های نیازمند، شامل خانواده‌هایی که با آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق، فقر، بیکاری، بی‌سرپرستی و بدسرپرستی مواجه‌اند، شرایط اجتماعی، اقتصادی آنها را بررسی و بسیاری از آسیب‌ها را شناسایی می‌کنند.

مشارکت‌کننده کد (۷) «در مناسبت‌های مذهبی و فرهنگی، وقتی غذای گرم و نذری بین خانواده‌های کودکان کار توزیع می‌شود، زمینه اعتمادسازی فراهم می‌شود. این ارتباطات باعث می‌شود در شرایط حاد روانی-اجتماعی، تسهیلات بتوانند خانواده‌های آسیب‌دیده را به اورژانس اجتماعی و سایر نهادهای حمایتی ارجاع دهند».

مشارکت‌کننده کد (۲۸) «وقتی با خانواده‌ام در برنامه‌ها شرکت می‌کنیم، حس می‌کنم که تنها نیستم و همه ما یک خانواده بزرگ هستیم». مشارکت‌کننده کد (۲۵) «وقتی نذری می‌گیرم، خوشحال می‌شوم چون می‌دانم که دیگران هم به ما فکر می‌کنند و این باعث می‌شود بیشتر به مدرسه بروم و درس بخوانم». این برنامه‌ها با هدف ایجاد امنیت روانی، اجتماعی و بهبود شرایط زندگی کودکان کار و خانواده‌هایشان، نقش مهمی در توانمندسازی و کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. مشارکت فعال خانواده‌ها و کودکان در این فرآیندها، کلید اصلی موفقیت و اثرگذاری این اقدامات است.

۳. جشنواره‌های کوچک و بزرگ ورزشی ویژه کودکان و نوجوانان

جشنواره‌های ورزشی کوچک و بزرگ مخصوص کودکان و نوجوانان، با انتخاب محتوای کاربردی و اجرایی‌پذیر، امکان افزایش تحرک اجتماعی، تقویت شادی و نشاط و کاهش آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کنند. اما موفقیت در این حوزه مستلزم ایجاد زمینه‌های اجتماعی، تقویت ظرفیت‌های محلی و همکاری سازنده‌ای از نهادهای مختلف از جمله سازمان بهزیستی، دهیاری‌ها و شوراهای روستایی، شهرداری‌ها، اداره ورزش و جوانان، موسسات خیرین و گروه‌های غیردولتی است. یکی از عوامل کلیدی موفقیت این برنامه، ایجاد ارتباط پایدار و هماهنگی مستمر با موسسه مجری برنامه بود که منجر به تقویت مشارکت گروه‌های مستعد اجتماعی و به‌ویژه جوامع روستایی و حاشیه‌نشین شد. در طی سه سال اجرای برنامه، ۱۲ جشنواره ورزشی با حضور بیش از ۳،۰۰۰ نفر برگزار گردید و جشنواره بزرگ فرهنگی، هنری و ورزشی نیز به عنوان نقطه عطفی در فعالیت‌ها اجرا شد.

مشارکت‌کننده کد (۹) «اجرای نمایش و بازی برای کودکان و نوجوانان، ورزش پرنشاط باستانی زورخانه‌ای، تئاتر، عروسک گردانی، موسیقی زنده، با هدف توسعه نشاط اجتماعی و سلامت روانی کودکان کار و خیابان با استفاده از ظرفیت‌ها و استعداد‌های آنها اجرا می‌شد. تیم فوتسال کودکان کار زیر نظر مربی حرفه‌ای فعالیت داشتند. جشنواره بزرگ ورزشی و مسابقات ورزشی با هدف توسعه سلامت جسم و روان کودکان کار و خیابان اجرا می‌شد. جشنواره بزرگ روز دختر در مسجد امام حسن (ع) روستای قشلاق اول با هدف افزایش شادی و نشاط اجتماعی دختران نوجوان در روستاهای قشلاق اول و دوم اجرا شد».

نشاط اجتماعی در دوران کرونا در توسعه سلامت اجتماعی و روانی کودکان نقش کلیدی دارد. به مناسبت تکریم روز دختر و گرامی‌داشت دهه کرامت برنامه‌های متنوع فرهنگی اجرا شد. این برنامه بصورت شاد و موسیقی زنده، تئاتر، نمایش، مسابقه نقاشی، دلنوشته و شعر خوانی اجرا شد. همچنین طرح ملی ورزش‌های تطبیقی خانوادگی محله محور با هدف تقویت روحیه و شادی و سلامت جسم و روان کودکان و نوجوانان برای ۱۲۲ نفر از دختران نوجوان اجرا شد. حضور اولین برنامه ویژه بانوان سالمند، زنان باردار، کودکان، معلولین، نابینایان و ناشنوایان و بیماران خاص برگزار شد.

مشارکت‌کننده کد (۲) «ارتقاء تندرستی و نشاط بانوان با شرایط خاص، افزایش مشارکت بانوان با شرایط خاص در ورزش‌های تطبیقی یافته، توسعه فعالیت‌های ورزشی و در اوقات فراغت بانوان با شرایط خاص، ارائه خدمات کیفی ورزشی به این گروه است. در این طرح بانوان قشلاق جیتو دارای شرایط خاص با پرداختن به حرکات ورزشی، دارت و آمادگی جسمانی لحظات مفرح و شادی را سپری کردند».

مشارکت‌کننده کد (۲۱) «وقتی در مسابقات ورزشی شرکت می‌کنم، احساس می‌کنم مثل همه بچه‌های دیگرم و این باعث می‌شود بیشتر به آینده امیدوار باشم».

مشارکت‌کننده کد (۲۸) «ورزش باعث می‌شود مشکلات زندگی را فراموش کنم و خوشحال باشم». این جملات نشان‌دهنده اهمیت این جشنواره‌ها در ایجاد شادی، امید و نشاط در کودکان کار است.

۴. نمایش، موسیقی، اردوهای تفریحی و فرهنگی برای کودکان کار و خیابان

برنامه‌های شاد و متنوعی برای کودکان و نوجوانان کار اجرا شده است که شامل نمایش عروسکی، تئاتر، تردستی، موسیقی و بازی درمانی به همراه حضور روانشناس تیم اجتماع‌محور است. نمایش‌های «تئاتر عروسکی کدو قل قله زن» در تماشاخانه ملک تهران ویژه کودکان کار و خیابان، با هدف رشد روانی-اجتماعی و کاهش ساعت حضور آنها در محیط کار و خیابان، طی چند مرحله برای ۴۵۴ کودک اجرا شد. در دوران کرونا که کودکان از فضاهای بازی، آموزش و نشاط اجتماعی محروم بودند، این برنامه‌ها برای افزایش

شادابی، آگاهی و سلامت روان آنها در ابعاد گسترده برگزار گردید. همچنین، اردوی تفریحی یک‌روزه به منطقه توچال تهران برای کودکان و نوجوانان به همراه اعضای خانواده برگزار شد که تجربه‌ای فراموش‌نشدنی و نشاط‌آور بود.

مشارکت‌کننده کد (۲۲) «برای اولین بار تونستم از خیابون و کار دور بشم و فقط بازی کنم، حس خوبی بود که همه با هم خوشحال بودیم». اجرای تور گردشگری یک‌روزه به مناسبت هفته سلامت روان در آثار باستانی ورامین نیز موجب افزایش شادی، سلامت روان و آشنایی نوجوانان با تاریخ و فرهنگ دیرینه‌شان شد. این برنامه‌ها نوجوانان را از فضای پرمخاطره مجازی دور کرده و پیوندهای اجتماعی، تاریخی و فرهنگی را در بین آنها تقویت می‌کند.

مشارکت‌کننده کد (۳۰) «وقتی می‌بینم آدم‌ها بهمون اهمیت میدن و برامون برنامه می‌زارن، احساس می‌کنم به نفر هست که به ما فکر می‌کنه و این خیلی دلگرم‌کننده است». این گونه فعالیت‌ها نه تنها لحظاتی از شادی و آرامش برای کودکان فراهم می‌کند، بلکه فرصت رشد و توانمندسازی آنها را نیز افزایش می‌دهد.

۵. نشاط اجتماعی در روستاها، محلات حاشیه و کوره‌های آجرپزی

یکی از پویاترین و محبوب‌ترین برنامه‌ها از نگاه کودکان کار، خانواده‌ها و جوامع محلی، برنامه نشاط اجتماعی است که به صورت مستمر و متناوب در هشت روستای قرچک، محلات حاشیه شهر و کوره‌های آجرپزی برگزار می‌شود. این برنامه‌ها معمولاً روزهای پنج‌شنبه در فضای باز و پارک‌ها با حضور گسترده مردم اجرا می‌شود و شامل مسابقات ورزشی، اهدای جوایز، تغذیه سالم و موسیقی زنده است. تیم مددکاری و تسهیلگران این برنامه بر اهمیت تداوم آن در روستاها و محلات حاشیه‌نشین تأکید دارند.

مشارکت‌کننده کد (۱۸) «وقتی جمع می‌شیم و با هم بازی می‌کنیم، همه نگرانی‌ها و غم‌ها یادمون میره و احساس می‌کنم زندگی بهتره».

تجربه کرونا، فشارهای روحی و روانی زیادی به جامعه روستایی وارد کرد و آستانه تحمل مردم را پایین آورد، به‌خصوص در خانواده‌های کم‌درآمد و محلات حاشیه‌نشین. به همین دلیل، توجه به شادی و نشاط اجتماعی برای بهبود زندگی این مردم حیاتی است. اردوها و جشنواره‌های ورزشی در این مناطق باعث افزایش امید، سلامت روان و تقویت پیوندهای اجتماعی می‌شود.

مشارکت‌کننده کد (۲۴) «وقتی می‌بینم همه با هم ورزش می‌کنیم و شادی می‌کنیم، حس می‌کنم که ما هم بخشی از جامعه‌ایم که به ما اهمیت می‌دهند». این برنامه‌ها فرصت مناسبی برای گذران اوقات فراغت سالم، تقویت حس همبستگی و ایجاد انگیزه برای مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی فراهم می‌کند و به کاهش اضطراب و افسردگی در این جوامع کمک می‌کند.

مشارکت‌کننده کد (۱۲) «تجربه بیماری کرونا، فشارهای روحی- روانی زیادی بر جامعه روستایی تحمیل نمود. این تجربه سطح آستانه تحمل مردم را پایین آورده و مشکلات روحی- روانی بیشتری بر خانواده‌های طبقات پایین جامعه و محلات حاشیه‌نشین ایجاد شده است. توجه به مقوله شادکامی، نشاط اجتماعی برای تغییر زندگی اجتماعی مردم که با مشکلات روحی- روانی بیشتری درگیر بودند اهمیت داشت».

۶. آموزش و مهارت‌آموزی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در خانواده‌ها

در طول سه سال اجرای برنامه اجتماع‌محور پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی کودکان کار، ۳۶ دوره آموزشی برای ۱۸۰۰ کودک کار و خیابان و خانواده‌هایشان برگزار شده است. هدف اصلی این آموزش‌ها، افزایش آگاهی کودکان نسبت به مخاطرات کار کودک، ارتقای سطح اطلاع خانواده‌ها و جامعه محلی درباره این پدیده و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در سطح محله بوده است. این برنامه‌ها

توسط روانشناسان و کارشناسان اورژانس اجتماعی آموزش دیده اجرا شده‌اند. آموزش مهارت‌های دهگانه زندگی و تقویت عزت نفس، علاوه بر ارتقای سلامت روان، ابزاری مؤثر برای پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی مانند اعتیاد، خشونت و آزار کودکان است. مهارت‌های زندگی به عنوان ابزاری قوی در دست متولیان سلامت اجتماعی، افراد را توانمند می‌کند تا رفتارهای مثبت داشته باشند و از آسیب‌های روانی و اجتماعی محافظت شوند. در زمان اجرای دوره‌ها، افراد در معرض آسیب شناسایی و به مراکز اورژانس اجتماعی ارجاع داده شدند. همچنین، توانمندی نوجوانان در همیاری اجتماعی و مشارکت در برنامه‌های آموزشی، اوقات فراغت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، موجب افزایش اعتماد به نفس و توانمندی‌های فکری و اجتماعی آنان شده است که تأثیرات پایدار در کاهش آسیب‌ها در فضای خانوادگی و اجتماعی محله دارد مشارکت‌کننده کد (۲۷) «وقتی مهارت‌های زندگی را یاد گرفتیم، فهمیدیم چطور می‌توانیم از خودم مراقبت کنم و از مشکلات دور بمانم». مشارکت‌کننده کد (۲۰) «حالا که می‌دانم چطور با خانواده و دوستانم بهتر رفتار کنم، احساس بهتری دارم و کمتر می‌ترسم».

در این بین حضور روانشناسان بالینی نیز به شناسایی و مشاوره به کودکان دارای اختلالات اضطرابی کمک کرده است. از دیگر نتایج مثبت این برنامه‌ها، افزایش مطالبه‌گری مردم محلی است؛ به طوری که مردم روستای قشلاق اول و داوودآباد برای تأسیس «سرای روستا» جهت امور آموزشی و فرهنگی تلاش کردند. این مشارکت زمینه‌ساز اجرای برنامه‌های آموزشی، مشاوره و آگاه‌سازی اقشار در معرض آسیب شده است.

۷. توسعه خدمات بهداشتی و درمانی به کودکان کار و خیابان

کاهش آسیب‌های جسمی و روانی کودکان کار و خیابان یکی از اهداف اصلی تیم اجتماع‌محور است. در حاشیه شهرها، کودکان کار و خیابان و خانواده‌هایشان به دلیل فقر شدید و ناکارآمدی برنامه‌های رفاهی و درمانی با خطرات اجتماعی فراوانی روبرو هستند و دسترسی کافی به خدمات درمانی ندارند. به همین دلیل، این مناطق که به نقاط کور معروف‌اند، تحت پوشش برنامه‌های رفاهی و درمانی گسترده‌تری قرار گرفته‌اند. نیازهای این کودکان شامل دسترسی به خدمات بهداشتی، مواد غذایی، پوشاک، اسباب‌بازی، آموزش و مراقبت‌های ویژه است که باید به صورت جامع و مستمر تأمین شود. با شیوع ویروس کرونا و وخامت شرایط اقتصادی، مشکلات اجتماعی نیز افزایش یافته است.

مشارکت‌کننده کد (۱) «۴۵۴ کودک کار و خیابان در روستاهای قرچک و کوره‌های آجرپزی با حضور متناوب تیم‌های جهادی پزشکی و متخصصان شنوایی‌سنج، بینایی‌سنج و روانشناس برای غربالگری اضطراب و استرس مورد بررسی قرار گرفتند. کودکانی که دارای اختلال بینایی، شنوایی یا اضطراب بودند به مراکز درمانی معرفی شدند».

مشارکت‌کننده کد (۲۹) «وقتی چشم‌هایم درد می‌کرد، نمی‌توانستم درست ببینم و در مدرسه عقب می‌ماندم، حالا که کمکم کردند، خیلی بهتر شده‌ام».

مشارکت‌کننده کد (۱۸) «وقتی استرس داشتم، نمی‌دانستم با کسی حرف بزنم، اما روانشناس به من کمک کرد تا آرام شوم». این اقدامات، همراه با حمایت‌های آموزشی، درمانی و روانی، نقش مهمی در کاهش آسیب‌های جسمی و روانی کودکان کار و خیابان دارد و به بهبود کیفیت زندگی و آینده آنها کمک می‌کند.

۸. برنامه‌های حرفه‌آموزی و اشتغالزایی در خانواده‌های کودکان کار و خیابان

یکی از اهداف مشخص و کلیدی تیم اجرایی اجتماع‌محور، شناسایی استعدادها، توانایی‌ها و خلاقیت کودکان کار بالای ۱۵ سال و مادران آنهاست. در طی سه سال اجرای این برنامه، بیش از ۳۰ مادر از کودکان کار و خیابان در کارگاه‌های حرفه‌آموزی مختلفی مانند خیاطی، نجاری و هنرآموزی شرکت کردند تا مهارت‌های فنی و شغلی لازم را کسب کنند. این دوره‌های آموزش حرفه‌ای به صورت مستمر و با حمایت مجتمع خدمات بهزیستی طلوع سبز برگزار می‌شود و استفاده از وام‌های اشتغال‌زایی سازمان بهزیستی، مسیر اشتغال پایدار این افراد را هموار می‌کند. برنامه اجتماع‌محور با تکیه بر ظرفیت‌های محلی و مشارکت فعال خانواده‌ها، تلاش می‌کند تا فراتر از حمایت‌های مالی صرف، زمینه‌های توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی این گروه‌ها را فراهم آورد. این رویکرد باعث می‌شود افراد جامعه هدف نقش مؤثری در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی پروژه‌ها داشته باشند و در نتیجه انگیزه و اعتماد به نفس آنها برای تغییر شرایط زندگی‌شان افزایش یابد. همچنین، تجربه‌های موفق نشان داده‌اند که توانمندسازی کودکان کار و خانواده‌هایشان از طریق آموزش‌های مهارتی و حمایت‌های مالی، به کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش استقلال اقتصادی آنها منجر می‌شود. به عنوان مثال، برخی از کودکان کار پس از شناسایی توانمندی‌های خود، به اصناف مختلف معرفی شده و با حمایت‌های مالی و آموزشی، توانسته‌اند کسب و کارهای کوچک خود را راه‌اندازی کنند و حتی حمایتگر دیگر کودکان آسیب‌دیده شوند. این برنامه‌ها نه تنها مهارت‌های فنی را به کودکان و مادران آموزش می‌دهند، بلکه با ایجاد فضاهای امن و حمایت روانی، به بهبود عزت نفس و سلامت روان آنها کمک می‌کنند.

مشارکت‌کننده کد (۲۸) «وقتی مادرم مهارت خیاطی را یاد گرفت، احساس کردم می‌تواند برای خانواده درآمد داشته باشد و دیگر نگران آینده نیستیم». در مجموع، رویکرد اجتماع‌محور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی و همکاری نهادهای حمایتی، در برخی موارد زمینه توانمندسازی و اشتغال پایدار کودکان کار و خانواده‌هایشان را فراهم کرده و به کاهش آسیب‌های اجتماعی در این گروه‌ها کمک می‌کند، هرچند اثرگذاری برنامه‌ها همیشه یکسان و گسترده نبوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد کیفی پدیدارشناسانه، تجربه اجرای برنامه مداخله اجتماعی با رویکرد توانمندسازی و اجتماع‌محور را بر روی کودکان کار و خیابانی در شهر قرچک مورد بررسی قرار داد. تحلیل داده‌های حاصل از این مداخله، بیانگر اثربخشی چندبُعدی برنامه در سطوح فردی، خانوادگی و اجتماعی است. در سطح فردی، یافته‌ها مؤید افزایش چشمگیر مهارت‌های زندگی، خودکارآمدی و اعتماد به نفس در میان کودکان شرکت‌کننده است. این نتایج با ادبیات پژوهشی در حوزه توانمندسازی همخوانی دارد، که بر نقش آموزش مهارت‌های زندگی و تقویت باورهای خودکارآمدی در بهبود وضعیت روانی و تحصیلی کودکان آسیب‌پذیر تأکید دارند. ارتقاء وضعیت تحصیلی و روانی کودکان را می‌توان به افزایش حس کنترل و عاملیت آنها نسبت داد که از اهداف کلیدی توانمندسازی محسوب می‌شود. در سطح خانوادگی، مداخله برنامه، منجر به تقویت روابط بین اعضای خانواده، کاهش تنش‌های روانی و افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های حمایتی و آموزشی شد. بهبود تعاملات خانوادگی و کاهش استرس در محیط خانه، فضایی امن‌تر برای رشد و یادگیری کودکان فراهم می‌آورد که خود زمینه‌ساز اثربخشی بیشتر برنامه‌های توانمندسازی در سطح فردی است. در سطح نهادی و اجتماعی، تعامل اثربخش تیم اجرایی با سازمان‌های محلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های جامعه، به تسهیل همکاری‌های میان‌نهادی و ارتقای کمی و کیفی خدمات اجتماعی ارائه شده به کودکان و خانواده‌های آنان انجامید. این بُعد از مداخله، با اصول رویکرد اجتماع‌محور همسویی دارد که بر اهمیت مشارکت ذینفعان محلی و ایجاد شبکه‌های حمایتی پایدار تأکید می‌ورزد. با این حال،

یافته‌ها نشان می‌دهند که تحقق کامل رویکرد اجتماع‌محور، به‌ویژه در زمینه مشارکت فعال و عمیق کودکان و خانواده‌ها در فرآیندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، با چالش‌هایی روبرو بوده است. مشارکت کودکان و خانواده‌ها عمدتاً به بازخورد، حضور در برخی فعالیت‌ها و سطوح ابتدایی مشارکت گروهی محدود مانده است. این موضوع، برنامه را در زمره رویکردهای ترکیبی توانمندسازی و اجتماع‌محور قرار می‌دهد که ضمن بهره‌مندی از مزایای هر دو رویکرد، نیازمند تلاش‌های آتی برای تعمیق مشارکت جامعه محلی است.

یافته‌های این پژوهش، در هر سه سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی، همسویی قابل توجهی با نتایج پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد:

سطح فردی (ارتقای مهارت‌ها، اعتماد به نفس، کاهش انزوا و پیشگیری از ترک تحصیل): ارتقای مهارت‌ها و اعتماد به نفس کودکان، که از دستاوردهای کلیدی این برنامه بوده، با نتایج مطالعه کومار و داس (۲۰۲۳) در هند همسو است. این پژوهش نیز بر بهبود مهارت‌های تحصیلی و سلامت روانی کودکان خیابانی از طریق مداخلات حمایتی تأکید دارد. همچنین، یافته‌های مربوط به کاهش انزوای اجتماعی و پیشگیری از ترک تحصیل، با یافته‌های سودارتو و همکاران (۲۰۲۲) در اندونزی که بر اهمیت بازگشت کودکان به مدرسه و کاهش موانع آموزشی تأکید می‌کنند، و همچنین پژوهش نگوین و لی (۲۰۲۴) در ویتنام که به غلبه بر موانع آموزشی پرداخته‌اند، همخوانی دارد. در سطح داخلی، این نتایج با یافته‌های پژوهش رستگار و همکاران (۱۳۹۷) که عوامل مؤثر بر ماندگاری کودکان در مدرسه را بررسی کرده‌اند، همسویی دارد.

سطح خانوادگی (افزایش مشارکت و تعامل): افزایش مشارکت و تعامل خانوادگی به عنوان یکی دیگر از نتایج مثبت برنامه، با پژوهش سودارتو و همکاران (۲۰۲۲) در خصوص نقش حیاتی حمایت خانواده در فرآیند توانمندسازی و ادامه تحصیل کودکان همسو است. حمایت خانواده به عنوان بستری امن، به کودکان کمک می‌کند تا از مهارت‌های کسب شده بهتر استفاده کنند و انگیزه بیشتری برای حضور در فعالیت‌های حمایتی داشته باشند. این یافته همچنین با نتایج شکوری (۱۳۹۳) در ایران که اهمیت حمایت خانواده را در موفقیت کودکان نشان می‌دهد، همسو است.

سطح اجتماعی (ارتقای آگاهی جامعه محلی و رویکرد اجتماع‌محور): ارتقای آگاهی جامعه محلی نسبت به حقوق و نیازهای کودکان کار، یافته‌ای است که با تأکیدات پژوهش کاوه پیشه و همکاران (۱۴۰۲) در خصوص نقش آموزش و افزایش آگاهی جامعه در ایجاد محیطی حمایتی برای کودکان همخوانی دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که توانمندسازی تنها به کودک محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند تغییر نگرش و افزایش حمایت محیط پیرامونی نیز هست. تجربه این برنامه به وضوح نشان داد که رویکرد اجتماع‌محور و مشارکت فعال ذینفعان محلی، اساسی‌ترین عامل در پایداری مداخلات اجتماعی و دستیابی به اثرگذاری بلندمدت است. این موضوع با یافته‌های پژوهش نادری و همکاران (۱۴۰۳) که بر لزوم مشارکت جامعه محلی برای پایداری طرح‌های حمایتی تأکید دارد، همسو است. در سطح بین‌المللی، پژوهش سودارتو و همکاران (۲۰۲۲) و نگوین و لی (۲۰۲۴) نیز بر ضرورت مشارکت ذینفعان و جامعه در طراحی و اجرای برنامه‌ها تأکید کرده‌اند. همچنین، مداخله چندبعدی برنامه، که ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، با نتیجه آلوآرز و کاستیلو (۲۰۲۳) در مورد اثربخشی مداخلات روانی-اجتماعی و آموزشی یکپارچه همسو است. در نهایت، موفقیت این برنامه در قرچک، قابلیت الگوبرداری آن را برای سایر مناطق کشور تقویت می‌کند، موضوعی که در پژوهش‌های مرزوقی و همکاران (۲۰۲۴) و سهیل و همکاران (۲۰۲۴) نیز به اهمیت اشتراک‌گذاری تجربیات موفق و ایجاد سازوکارهای حمایتی فراگیر اشاره شده است.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

محدودیت در مشارکت فعال جامعه: همانطور که اشاره شد، مشارکت جامعه هدف (کودکان و خانواده‌ها) عمدتاً در سطح اطلاع‌رسانی و حضور در فعالیتهای از پیش تعیین شده بود و در مراحل طراحی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی جامع، حضور و نقش فعال و تعیین‌کننده آنان کمتر مشاهده شد. این امر می‌تواند اثربخشی و پایداری بلندمدت برنامه را تحت تأثیر قرار دهد. وابستگی به حمایت نهادی: موفقیت برنامه تا حد زیادی به تعامل و همکاری نهادهای اجرایی و سازمان‌های محلی وابسته بود. هرگونه خلل در این همکاری‌ها یا تغییر در سیاست‌های حمایتی نهادهای، می‌تواند بر تداوم و اثربخشی برنامه تأثیر منفی بگذارد. دامنه جغرافیایی محدود: این پژوهش به بررسی تجربه اجرای برنامه در یک منطقه جغرافیایی خاص (شهر قرچک) پرداخته است. لذا، تعمیم‌پذیری یافته‌ها به سایر مناطق با ویژگی‌های جمعیتی، فرهنگی و اجتماعی متفاوت نیازمند احتیاط و پژوهش‌های بیشتری می‌طلبد.

محدودیت‌های رویکرد کیفی: ماهیت کیفی پژوهش، امکان سنجش دقیق کمی اثربخشی برنامه را محدود می‌سازد. هرچند پدیدارشناسی به درک عمیق تجربیات کمک می‌کند، اما ارائه شاخص‌های کمی برای سنجش میزان دقیق تغییرات در سطوح مختلف (فردی، خانوادگی، اجتماعی) در این چارچوب دشوار است.

با در نظر گرفتن محدودیت‌های ذکر شده، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که برای تحقق اثرگذاری بلندمدت و واقعی برنامه‌ها، ضروری است اقدامات آتی به گونه‌ای طراحی شوند که شامل موارد زیر باشد:

مشارکت فعال جامعه هدف در طراحی و برنامه‌ریزی: کودکان، خانواده‌ها و نهادهای محلی باید از مرحله نیازسنجی و اولویت‌بندی فعالیت‌ها وارد شوند تا برنامه‌ها پاسخگوی واقعی نیازها و مشکلات آنان باشد.

نقش واقعی جامعه هدف در اجرا و ارزیابی: مشارکت‌کنندگان می‌توانند در اجرای فعالیت‌ها، مدیریت گروه‌ها و ارزیابی اثرات برنامه نقش فعال داشته باشند تا حس مالکیت و مسئولیت‌پذیری افزایش یابد.

تداوم و انسجام برنامه‌ها: استفاده از ظرفیت‌های محلی، گروه‌های خودیار و تشکیل شوراهای یا کمیته‌های نظارتی با حضور جامعه هدف، اثرات مثبت برنامه را پایدارتر می‌کند.

انعطاف‌پذیری و بازنگری مستمر: برنامه‌ها باید به‌طور پیوسته بازنگری شوند تا با تغییر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه هدف هماهنگ شوند و اثرگذاری واقعی داشته باشند.

از منظر سیاست‌گذاری اجتماعی، یافته‌های پژوهش ضرورت گسترش و تعمیم مدل‌های اجتماع‌محور و توانمندساز را نشان می‌دهد، به‌ویژه در مناطق پرجمعیت، مهاجرپذیر و آسیب‌خیز. بنابراین پیشنهاد می‌شود که:

نهادهای مسئول برنامه‌هایی بلندمدت، ساختاری و مشارکتی برای حمایت از کودکان کار تدوین کنند؛ برنامه‌ها همراه با نظام ارزیابی علمی مستمر اجرا شوند تا اثرات آن‌ها پایش و بهبود یابد؛ از ظرفیت‌های محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های خودیار به‌طور فعال استفاده شود تا مشارکت واقعی جامعه هدف تقویت گردد و در نهایت، سیاست‌های کلان حمایت از کودکان و ارتقای عدالت اجتماعی با توجه به تجارب میدانی و یافته‌های پژوهش بازنگری و اصلاح شوند.

با تأکید بر چشم‌انداز آینده، دستیابی به اهداف بلندمدت نیازمند رویکردی جامع و پایدار است. این پژوهش نشان می‌دهد که هرچند مداخلات فعلی گام‌های مثبتی برداشته‌اند، اما برای ایجاد تحولی عمیق و پایدار در زندگی کودکان کار و خانواده‌هایشان، لازم است سازوکارهای حمایتی نهادی تقویت شده و مشارکت واقعی جامعه در تمامی مراحل برنامه‌ریزی و اجرا نهادینه گردد. این امر مستلزم تعهد بلندمدت، تخصیص منابع کافی و ایجاد هم‌افزایی میان تمامی ذینفعان، از دولت و سازمان‌های مردم‌نهاد گرفته تا خود

جامعه محلی، است. در نهایت، موفقیت در این مسیر نه تنها به بهبود وضعیت کودکان کار کمک خواهد کرد، بلکه به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و انسانی‌تر یاری می‌رساند که در آن همه افراد، به‌ویژه آسیب‌پذیرترین اقشار، فرصت رشد و شکوفایی دارند. آینده پژوهی در این حوزه نشان می‌دهد که پایداری اثربخشی برنامه‌ها در گرو انطباق‌پذیری مداوم با تغییرات اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی است. از این رو، توصیه می‌شود رویکردهای نوآورانه‌ای چون استفاده از فناوری‌های نوین برای آموزش و پیگیری، ایجاد شبکه‌های حمایتی پایدار مبتنی بر خودیاری جامعه، و همچنین ارزیابی‌های اثربخشی مستمر با استفاده از شاخص‌های کمی و کیفی تلفیقی، در دستور کار قرار گیرد. توجه به ابعاد روانی و اجتماعی بلندمدت پیامدهای فقر و محرومیت، و طراحی برنامه‌هایی که به تقویت تاب‌آوری فردی و جمعی کمک می‌کنند، می‌تواند مسیری را برای کاهش آسیب‌پذیری‌های آتی و تضمین آینده‌ای روشن‌تر برای کودکان کار و نسل‌های پس از آنان فراهم سازد. این تلاش مشترک، لازمه تحقق عدالت اجتماعی و تضمین حقوق اساسی کودکان در جامعه است.

تقدیر و تشکر: از خانم الهام شهسواری، مدیر مرکز طلوع سبز قرچک، تسهیلگران، تیم اجتماع‌محور و کودکان کار و خیابان که در این پژوهش ما را یاری نمودند، کمال تشکر و قدردانی را داریم.

منابع

- آیت مهر، فاطمه؛ خالقی، محمد؛ محمدخانی، شهرام و غیائی، حامد. (۱۳۹۴). بررسی اثر آموزش بسته‌ی توانمندسازی نوجوانان در پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان کار و خیابان، مددکاری اجتماعی، ۴(۱): ۱۶-۲۳.
- حیدری، محمد رضا؛ اکبری، حسین؛ امیریور، مهناز و مجد، علی اکبر. (۱۴۰۴). فروپاشی زیست کودکان؛ مطالعه زمینه‌های شکل‌گیری کودکان کار، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱۲(۲۵): ۳۷-۷۸.
- رستگار، عباسعلی؛ گلشاهی؛ بهنام و درستکار احمدی، ناهید. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر در توانمندسازی کودکان کار و خیابان: نقش سرمایه اجتماعی و کارآفرینی اجتماعی، توسعه اجتماعی، ۱۲(۴): ۵۷-۸۷. <https://doi.org/10.22055/qjsd.2018.13680>
- زارعی محمودآبادی، علیرضا؛ روحانی، علی؛ افشانی، سید علیرضا و موسوی، سید محسن. (۱۴۰۳). کودکان کار در تقاطع مهاجرت بی‌رویه و توسعه صنعتی نامتوازن، یک مردم‌نگاری انتقادی در شهر صنعتی میند، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۴(۲): ۱۲۳-۱۴۴.
- زاهدی، شمس السادات؛ پورعزت، علی اصغر؛ واعظی، رضا و یآوری، نگین. (۱۴۰۳). طراحی چارچوبی از ختم‌شده‌های رفتاری برای ساماندهی کودکان کار، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۱۵(۱): ۲۵۹-۲۸۴.
- سازمان بهزیستی کشور. (۱۳۹۷). سالنامه آماری فعالیت‌ها، اقدامات و برنامه‌ها.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران. (۱۳۹۷). برنامه جامع تقسیم کار ملی کاهش آسیب‌های اجتماعی کودکان کار و خیابان بر اساس برنامه ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- سبحانی، جاوید. (۱۳۸۵). نگاهی به طرح توانمندسازی کودکان در وضعیت دشوار خانه کودک شوش وابسته به انجمن حمایت از حقوق کودکان، تامین اجتماعی، ۸(۲): ۱۲۱-۱۴۸.
- سعدآبادی، علی اصغر و فهری، فاطمه سادات (۱۳۹۹). آسیب‌شناسی پدیده کودکان کار شهر تهران با رویکرد فازی، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۱۰(۳۷): ۱۲۹-۱۵۸.
- شکریگی، عالیه و فراهانی، پریسا. (۱۳۹۸). شناسایی مؤلفه‌های کارآفرینی اجتماعی و بررسی نقش آنان بر توانمندسازی کودکان کار و خیابان، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ۹(۳۲): ۱۵۵-۱۹۴.
- شکوری، علی. (۱۳۹۳). بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی کودکان کار خیابانی، مطالعه موردی، منطقه ۱۲ تهران، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، ۳(۳): ۳۳-۶۰.

فلیک، اووه. (۱۴۰۳). درآمدی بر پژوهش کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
کاوه پیشه، فرنوش؛ فتاحی واجرگاه، کوروش؛ عارفی، محبوبه و مبارکی، محمد حسن. (۱۴۰۲). شناسایی چالش ها و موانع آموزش کارآفرینی به کودکان کار (یک مطالعه ی پدیدار شناسانه)، اندیشه های نوین تربیتی، ۱۹(۴): ۴۷-۶۷.
کرسول، جان. (۱۳۹۴). پویای کیفی و طرح پژوهش، ترجمه ی حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. انتشارات صفار.
کرمی، فرشاد. (۱۴۰۱). کودکان کار و خیابان در ایران (۱): ارزیابی قوانین و مقررات مرتبط، دفتر مطالعات اجتماعی، مجلس شورای اسلامی.
گزارش جامع پایلوت برنامه جامع تقسیم کار ملی پیشگیری از آسیب های اجتماعی کودکان کار و خیابان قرچک. (۱۴۰۱). بهزیستی قرچک.
نادری، نادر؛ خسروی، احسان و کریمیان، فرانک. (۱۴۰۳). الگوی ساماندهی کودکان کار خیابانی در استان کرمانشاه: ارائه توصیه های مبتنی بر توسعه مهارت های کارآفرینانه، پژوهش های کارآفرینی، ۳(۱): ۵۷-۷۶.

- Alvarez, M., & Castillo, J. (2023). Psychosocial interventions for street children: A systematic review. *Child Abuse & Neglect*, 143, 106890. <https://doi.org/10.1016/j.chiabu.2023.106>
- Kumar, R., & Das, S. (2023). Empowering street children through education and social support: A study from India. *Children and Youth Services Review*, 145, 106639. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2023.106639>
- Collins SE, Clifasefi SL, Stanton J, The Leap Advisory Board, Straits KJE, Gil-Kashiwabara E, Rodriguez Espinosa P, Nicasio AV, Andrasik MP, Hawes SM, Miller KA, Nelson LA, Orfaly VE, Duran BM, Wallerstein N. Community-based participatory research (CBPR): Towards equitable involvement of community in psychology research. *Am Psychol*. 2018 Oct;73(7):884-898.
[doi: 10.1037/amp000167](https://doi.org/10.1037/amp000167). Epub 2018 Jan 22. PMID: 29355352; PMCID: PMC6054913.
- International Labour Organization. (2020). What is child labour? Geneva: ILO. <https://www.ilo.org/topics/child-labour/what-child-labour>
- Merzougui, H., Xianghe, G. & Ali, D. Contextual analysis of child labor laws and educational rights for children in Pakistan with a focus on KPK province. *Discov glob soc* 2, 74 (2024). <https://doi.org/10.1007/s44282-024-00105-0>
- Setyowati, R. R. N., Aji, R. N. B., Imron, A., Sarmini, Arzeti, & Diwanul, M. (2024). Empowerment approaches for street children in Surabaya, Indonesia. *Pakistan Journal of Life and Social Sciences*, 22(2), 841–854. <https://doi.org/10.57239/PJLSS-2024-22.2.0061>
- Sohel MS, Alam S, Rahman MM, Obaidullah M, Mohammad Towhidul Anam AS, Hossain B, Alamgir Hossain M. Exploring the multifaceted vulnerabilities of female street child labor in the capital city of Bangladesh. *Heliyon*. 2024 Sep 1;10(18):e37302.
[doi: 10.1016/j.heliyon.2024.e37302](https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e37302). PMID: 39309843; PMCID: PMC11416251.
- Sudarto, A., Mustofa, M. B., & Malik, A. (2022). Economic Exploitation of Children: Returning Child Labor to the World of Education Through Interpersonal Communication Towards Equal Education. *HUMANISMA: Journal of Gender Studies*, 6(2), 212–225. <https://doi.org/10.30983/humanisme.v6i2.5870>
- UNICEF & ILO. (2022). Child labour: Global estimates 2020, trends and the road forward. UNICEF. <https://data.unicef.org/resources/child-labour-global-estimates-2020/>
- UNICEF & ILO. (2025). Child Labour: Global estimates 2024, trends and the road forward. Geneva: UNICEF & ILO. <https://www.unicef.org/press-releases/despite-progress-child-labour-still-affects-138-million-children-globally-ilo-unicef>